

بسیج دانشجویی دانشگاه شیراز
سال سیزدهم | ۵ فروردین ماه ۱۴۰۱

علم
۱۵۳

هفته نامه فرهنگی، سیاسی
اجتماعی، اقتصادی، دانشجویی



راه حل مشکلات معیشتی مردم

مرورنکات اقتصادی پیام رهبرانقلاب
به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۱

سال ۱۴۰۱
استقبال آفرین
دانش‌نمیان،
تولک‌پسند

سخن سردبیر

فاطمه دهقانی

سردبیر هفته نامه عهد

امام بهار

در حکایات آورده اند که : یکی از علما، روزی به قصد بیرون رفتن از منزل، چارپایی را دید که بار می افکند. در گوشه ای زار به گریه نشست. همراه او رفیقی از او پرسید که چرا چنین زار می گرید؟ گفت: به خاطر آن که می بینم چارپایی بارش را به مقصد رساند؛ اما معلوم نیست که من بارم را به مقصد برسانم یا نه؟ آنکه چشم جانش باز باشد، از دیدار بارافکندن چارپایی در خود فرو می رود و از خود برمی خیزد. الله اعلم.

نقل کرده اند که عارفی میانه ی کوچه ای می گذشت، در کناره را کودکی را گریان یافت. روبه او، علت گریه اش را جویا شد. کودک گفت: گم شده ام و ره به منزل نمی یابم. آن روشندل در خود لرزید. گوشه ای بر زمین نشست و زار گریست. گفت چگونه نگریم وقتی که مینگرم طفلی که راه خانه را گم کرده است، چنین می گرید و من که صاحب خانه را گم کرده ام، در غفلت و بی خبری روزگار می گذارنم.

آمد و شد ایام، دگرگونی احوال را پی در پی دارد، اگر دستی به آسمان بلند شود و از محول الحول و الاحوال تحویل و دگرگونی حال بد را بخواهد و حال حسنه را طالب باشد. خوشا به حال آنکه، بر قلبش کدورت و سیاهی آن قدر نازک است که با نسیمی مرتفع می شود و رنگ و جلا می گیرد و پیدا به حال آنکه، قرآن درباره اش می فرماید: **إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ**؛ گروهی که کفر می ورزند، برای آنان فرق نمی کند که اندرز بدهی یا ندهی، ایمان نمی آورند. آمد و شد بهار و تابستان نیز یادآور آدمی است تا به خود بیاید و در آینه آفریده ها، آمد و شد و غیرقابل اجتناب خود را بنگرد.

در سال پیش رو، خودم و همراهانم را، توصیه می کنم خود را در معرض نسیم رحمت و مغفرت خداوند متعال قرار دهند و از درگاهش تحوّل و تحویل همه حالات سوء را درخواست کنند، خودم و جمیع موعودیان را به پاسداشت انصاف و بردباری در برابر شداید، همه آنچه که آسمان و زمین را بی تاب و قرار از همه آفریده ها می گیرد و درهای نعمت را بر فرزندان آدم می بندد، این بی انصافی است. درباره خدا، درباره بندگان خدا و درباره زمین.

خودم را و جمیع دوستانم را توصیه می کنم به پاسداشت نام و یاد امام بهار و بهار روزگاران. شاید که رستگار شویم.

سردبیر

سر مقاله

انیشتین و عید نوروز

فاطمه فیلوندی

کارشناسی مدیریت آموزشی

داستانی جذاب از آشنایی انیشتین با عید نوروز به واسطه دکتر حسابی

در زمان تدریس در دانشگاه پرینستون، دکتر حسابی تصمیم میگیرند سفره هفت سینی برای انیشتین و جمعی از بزرگترین دانشمندان دنیا از جمله بور، فرمی، شوریندرگر، دیراگ و دیگر استادان دانشگاه بچینند و ایشان را برای سال نو دعوت کنند.

آقای دکتر خودشان کارتهای دعوت را طراحی میکنند و حاشیه آن را با گلهای نیلوفر که زیر ستونهای تخت جمشید است (لوتوس) تزئین میکنند و منشا و مفهوم این گلها را هم توضیح میدهند.

چون میدانستند وقتی ریشه مشخص شود برای طرف مقابل دلدادگی ایجاد میکند.

دکتر میگفت برای همه کارت دعوت فرستادم و چون میدانستم انیشتین بدون ویالونش جایی نمیرود تاکید کردم که سازش را هم با خود بیاورد.

همه سر وقت آمدند اما انیشتین ۲۰ دقیقه دیرتر آمد و گفت چون خواهرم را خیلی دوست دارم خواستم او هم جشن سال نو ایرانیان را ببیند.

من فوراً یک شمع به شمعهای روشن اضافه کردم و برای انیشتین توضیح دادم که ما در آغاز سال نو به تعداد اعضای خانواده شمع روشن میکنیم و این شمع را هم برای خواهر شما اضافه کردم.

به هر حال بعد از یک سری صحبت‌های عمومی، انیشتین از من خواست که با دمیدن و خاموش کردن شمعها جشن را شروع کنم.

من در پاسخ گفتم

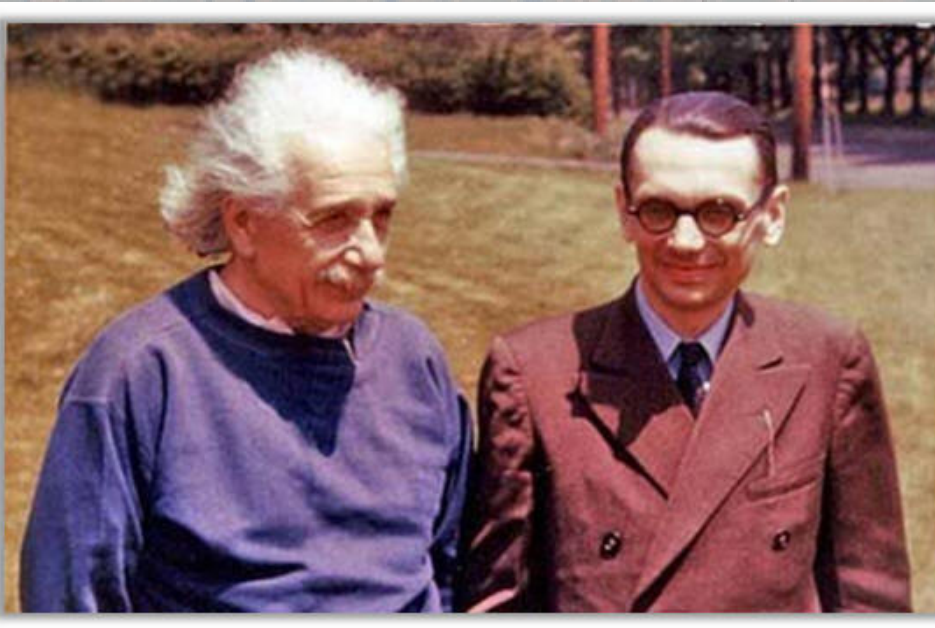
ایرانیها در طول تمدن ۱۰ هزار ساله شان حرمت نور و روشنایی را نگه داشته اند و از آن پاسداری کرده اند.

برای ما ایرانیها شمع نماد زندگیست و ما معتقدیم که زندگی در دست خداست و تنها او میتواند این شعله را خاموش کند یا روشن نگه دارد.

آقای دکتر میخواست اتصال به این تمدن را حفظ کند و میگفت بعدها انیشتین به من گفت وقت برمیگشتیم به خواهرم گفتم حالا میفهمم معنی یک تمدن ۱۰ هزار ساله چیست.

ما برای کریسمس به جنگل میرویم، درخت قطع میکنیم و بعد با گل‌های مصنوعی آن را زینت میدهیم اما وقتی از جشن سال نو ایرانیها برمیگردیم همه درختها سبزند و در کنار خیابان گل و سبزه روییده است.

بالاخره آقای دکتر جشن نوروز را با خواندن دعای تحویل سال آغاز میکنند و بعد این دعا را برای مهمانان تحلیل و تفسیر میکنند.





به گفته ایشان همه در آن جلسه از معانی این دعا و معانی ارزشمندی که در تعالیم مذهبی ماست شگفت زده شده بودند.

بعد با شیرینی های محلی از مهمانان پذیرایی میکنند و کوک و بلون انیشتین را عوض میکنند و یک آهنگ ایرانی مینوازند. همه از این آوا متعجب میشوند و از آقای دکتر توضیح میخواهند.

ایشان پاسخ میدهند که موسیقی ایرانی یک فلسفه، یک طرز تفکر و بیان امید و آرزوست.

انیشتین از آقای دکتر میخواهند که قطعه دیگری بنوازند.

پس از پایان این قطعه که عمداً بلندتر انتخاب شده بود انیشتین که چشمهایش را بسته بود چشمهایش را باز کرد و گفت دقیقاً من هم همین را برداشت کردم و بعد بلند شد تا سفره هفت سین را ببیند. آقای دکتر تمام وسایل آزمایشگاه فیزیک که نام آنها با "س" شروع میشد را توی سفره چیده بود و یک تکه چمن هم از باغبان دانشگاه پرینستون گرفته بود.

بعد توضیح میدهد که این در واقع هفت چین یعنی ۷ انتخاب بوده است.

تنها سبزه با "س" شروع میشود به نشانه رویش.

ماهی با "م" به نشانه جنبش،

آینه با "آ" به نشانه یکرنگی،

شمع با "ش" به نشانه فروغ زندگی و ...

همه متعجب میشوند و انیشتین میگوید آداب و سنن شما چه چیزهایی را از دوستی، احترام، حقوق بشر و حفظ محیط زیست به شما یاد میدهد.

آن هم در زمانی که دنیا هنوز این حرفها را نمیزد و نخبگانی مثل انیشتین، بور، فرمی و دیراک این مفاهیم عمیق را درک میکردند.

یک کاسه آب هم روی میز گذاشته بودند و یک نارنج داخل آب قرار داده بودند.

آقای دکتر برای مهمانان توضیح میدهند که فلسفه این کاسه ۱۰ هزار سال قدمت دارد.

آب نشانه فضاست و نارنج نشانه کره زمین است و این بیانگر تعلیق کره زمین در فضاست.

انیشتین رنگش میپرد، عقب عقب میرود و روی صندلی می افتد و حالش بد میشود.

از او میپرسند که چه اتفاقی افتاده؟

میگوید ما در مملکت خودمان ۲۰۰ سال پیش دانشمندی داشتیم که وقتی این حرف را زد کلیسا او را به مرگ محکوم کرد اما شما از ۱۰ هزار سال پیش این مطلب را به زیبایی به فرزندانان آموزش میدهید.

علم شما کجا و علم ما کجا!؟

خیلی جالب است که آدم به بهانه نوروژ یا هر بهانه خوب دیگر، فرهنگ و اعتبار ملی خودش را به جهانیان معرفی کند.

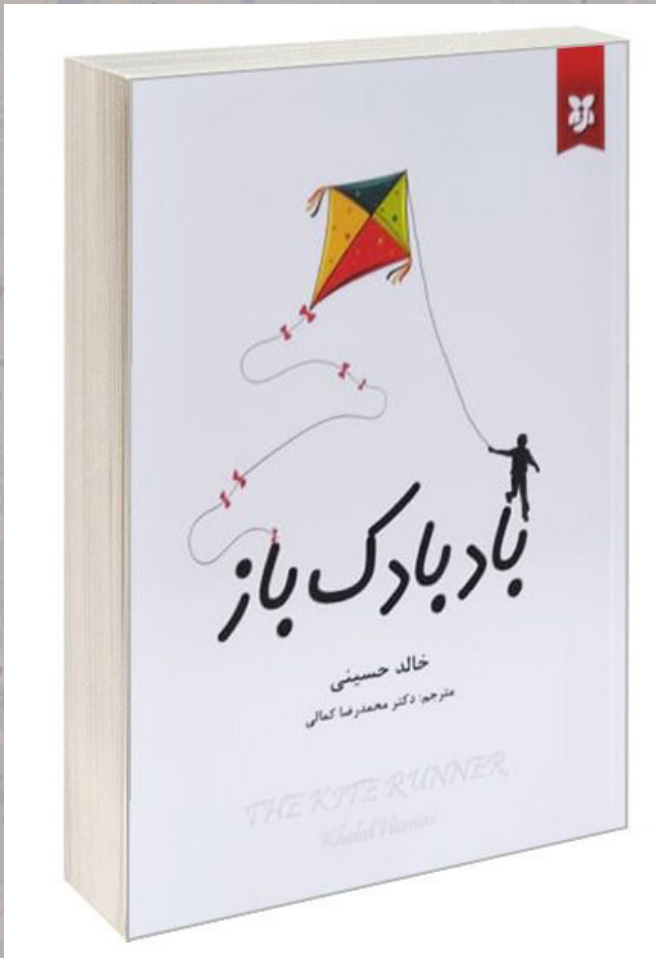
خاطرات مهندس ایرج حسابی

ایستگاه مطالعه

معرفی کتاب؛ بادبادک باز

محمد حسین عوض‌پور

کارشناسی حسابداری



خالد حسینی نویسنده جوان افغانستانی است که در سال‌های گذشته و با نگارش دو رمان جذاب «بادبادک باز» و «هزار خورشید تابان» توانسته خود را در گروه بهترین نویسندگان محبوب در قرن به مخاطبان بشناسد. شاید یکی از دلایل موفقیت داستان‌های خالد حسینی این باشد که او تمام رمان‌های خود را به زبان انگلیسی می‌نویسد و همین نکته در بهتر دیده شدن آثارش اهمیت به‌سزایی دارد؛ اما این نکته در کنار جذابیت داستان و قلم خوب این نویسنده می‌تواند ترکیب کاملی برای شهرت کتاب‌هایش به حساب بیاید.

جالب است بدانید این کتاب موفق‌ترین کتاب نویسنده محسوب می‌شود که در سال ۲۰۰۳ منتشر شد و پس از انتشار به عنوان سومین اثر پر فروش در کتاب‌فروشی‌های آمریکا و اروپا خوش‌درخشید. همین مسئله موجب شد تا این داستان به ۴۸ زبان ترجمه شود و صدای نویسنده کشور افغانستان به گوش مردم بیشتری از جهان برسد.

موفقیت چشم‌گیر این کتاب موجب شد تا کارگردانی آمریکایی به نام مارک فورستر برای ساختن فیلم بادبادک باز دست به کار شود. این فیلم در سال ۲۰۰۷ میلادی اکران شد و توانست به خوبی کتابش بین مخاطبان دیده شود.

کتاب بادبادک باز از جمله معدود کتاب‌هایی است که علی‌رغم مشهور نبودن نام نویسنده، توانسته به خوبی صدای خود را به گوش ملل مختلف برساند. نویسنده‌های مختلفی از سراسر جهان نظرات و نقدهایی به این کتاب داشتند که بیشتر این نقدها مثبت به نظر می‌رسد. برای مثال ایزابل آلدن‌نویسنده و روزنامه‌نگار آمریکایی درباره رمان بادبادک باز می‌گوید:

این داستان از جنس آن داستان‌های فراموش‌نشده است که تا سال‌ها با شما خواهد ماند. این رمان استثنایی تمام درون‌مایه‌های مهم ادبیات و زندگی را در بر می‌گیرد: «عشق، افتخار، گناه، ترس، رستگاری. داستان بادبادک باز برایم چنان تأثیرگذار بود که تا مدت‌ها هر چیزی که بعد از آن می‌خواندم بی‌روح به نظر می‌رسید.» نقد این روزنامه‌نگار در اصل نظر مثبتی برای «بادبادک‌باز» محسوب می‌شود و میل افرادی را که تا به حال این کتاب را نخوانده‌اند بیشتر می‌کند.

خالد حسینی «بادبادک‌باز» را زمانی می‌نویسد که کشور افغانستان یک جو سیاسی متغیر را از دهه‌ی ۱۹۷۰ تا حملات ۱۱ سپتامبر و پس از آن تجربه کرده است. بادبادک‌باز داستان عجیب و پیچیده‌ی دوستی میان امیر (پسر یک تاجر ثروتمند) و حسن (پسر خدمت‌کار پدر امیر) است تا زمانی که اختلافات فرهنگی و طبقاتی و آشفتگی‌های جنگ آن دو را از هم جدا می‌کند. حسینی سرزمین مادری‌اش را طوری برای‌مان زنده می‌کند که پس از حملات ۱۱ سپتامبر، رسانه‌های خبری هرگز نتوانستند این حقایق را بازگو کنند. او زندگی مردم عادی را به ما نشان می‌دهد که مانند ما غذا می‌خورند، می‌خوابند، عبادت می‌کنند، عاشق می‌شوند و به دنبال رؤیاهای خود هستند. این داستان روایت‌گر رازهای سربه‌مهر، عشق پایدار دوستی و قدرت دگرگون‌کننده‌ی بخشش است.

اگر به دنبال کتابی هستید که اوقات آزاده‌تان را با آن سپری کنید و شما را با خود به دنیای غریب‌آشنا ببرد، کافیست با «بادبادک‌باز» همراه شوید.

ایستگاه سینما و تلویزیون

شبکه خانگی و ضعف سریال های آن

محمد رضا هادی نژاد

کارشناسی علوم و مهندسی آب

سریال‌سازان تلویزیونی، به سمت شبکه خانگی یورش برده‌اند و تعداد سریال‌ها در حال بیشتر شدن است. هنوز چیزی نگذشته که اکثر این تولیدات مانند محصولات یک کارخانه به هم شبیه شده‌اند. موضوعات همگی حول مسائلی از اجتماع می‌گذرد که یا اساسی و مهم نیستند و یا اگر هستند، زاویه نگاه فیلمسازان به موضوع غلط، سطحی و مبتذل است. گویا «رئالیسم» از سریال‌های ما رخت بر بسته و جایش را قطعه‌های کج و معوجی از پازل جامعه گرفته است. پرداخت‌ها به طور عجیبی تصنعی هستند. مانکن با قلم بابک کایدان، به تهیه‌کنندگی ایرج محمدی و کارگردانی حسین سهیلی زاده تولید و در شبکه نمایش خانگی توزیع شد. از بازیگران سریال مانکن می‌توان به امیرحسین آرمان، نازنین بیاتی، مریلا زارعی، محمد رضا فروتن، فرزاد فرزین و لینداکیانی اشاره کرد. حسین سهیلی زاده، بعد از ساخت بیش از ده سریال برای شبکه‌های مختلف تلویزیونی، برای اولین بار سریالی برای شبکه پخش خانگی ساخت؛ با قواعد و کلیشه‌های حاکم بر آن. «مانکن» برای اینکه ثابت کند سریال ناامید کننده‌ای است، خیلی ما را منتظر نمی‌گذارد. در همان سکانس اول



و حضور کاوه و هم‌تا زیر برف که با افکت‌های ضعیف همراه است، دیالوگ‌هایی رد و بدل می‌شود که نمونه آن را امروز می‌توانید در کلیپ‌های اینستاگرامی که هدفشان برانگیختن احساسات مخاطب است مشاهده نمایید. دیالوگ‌هایی که با موزیک سوزناک بیان می‌شوند و مطابق انتظار در ادامه بخش زیادی از سریال به پخش موزیک ویدئو می‌گذرد. موزیک ویدئویی که در آن تاب بازی و دویدن به چشم می‌خورد که قرار است این پیام را به مخاطب انتقال دهد که دو شخصیتی که دیدیم بسیار عاشق هستند! سریالی که به تنهایی مرزهای سطحی و سخیف بودن را در عرصه سریال‌های شبکه نمایش خانگی چندین پله افزایش داده و با روایت یک قصه ملودرام به شدت زنده که کپی ناشیانه‌ای از سریال‌های ماهواره‌ای می‌باشد، ما را در همان ابتدای راه غافلگیر کرده است. شخصیت‌های سریال تیپ‌های تکراری هستند که کوچکترین کلیشه‌ها درباره آنها رعایت شده است. مرد پیری که معتاد است و می‌دانیم که قرار

است چه اقداماتی انجام دهد و می‌بایست چه انتظاری از او داشته باشیم. مادری که در فقر مطلق به سر می‌برد و دختر عاشقی که هیچ کار دیگری جز فکر کردن به کاوه و شنیدن نصیحت‌های اطرافیانش ندارد. شخصیت منفی داستان هم با بازی بسیار بد مریلا زارعی (این ضعف ناشی از انتخاب کاملاً اشتباه زارعی برای ایفای نقش کتایون می‌باشد)، پازل سریال را تکمیل کرده است. عیجب است که سازندگان هیچگونه پیچیدگی را برای شخصیت‌های سریال در نظر نگرفته‌اند و آنان را در ساده‌ترین حالت ممکن در سریال گنجانده‌اند. اگر کاری به گریم‌های عجیب و غریب و طراحی لباس‌های عجیب ترشون هم نداشته باشیم (مثل تیپ و قیافه شبم قلی خانی توی سریال مانکن). و از دیالوگ‌های ابتدایی هم بگذریم، ما که هیچ شناختی از این دو تا کاراکتر و عشقشون نداریم، چرا باید جدایی اینها ما رو ناراحت کند؟ همچنین، چه چیزی توی عشق این دو باید برای ما جذاب باشد؟ بستنی خوردن و موتور سواری که نمیشود نشانه عشق

بودن! واقعا از حسین سهیلی‌زاده که تولید سریال‌هایی نظیر: «دلتوازان»، «فاصله‌ها»، «سه پنج دو»، «آوای باران» و ... را در کارنامه هنری خود دارد، ساخت سریالی با این کیفیت بعید بود، زیرا وی همیشه با سریال‌هایش ثابت کرده بود که به خوبی معنی درام، کمدی و عشق را می‌داند و در آثارش نشان می‌دهد اما در مانکن در این زمینه آنقدرها هم موفق نبود، بازی‌های نه چندان خوب و آبکی، دیالوگ‌های عاشقانه نجسب و حتی صحنه‌های عاشقانه‌ای که نمی‌شود از آن به عنوان کپی موفق از سریال‌های هندی یاد کرد. در تولید این سریال سعی شده است که از بازیگرانی استفاده شود که در وهله‌ی اول فالوئرهای زیادی داشته و همچنین زیبایی قابل توجهی دارند که این براساس گفته‌ی روان‌شناسان بر مخاطب اثر مستقیم می‌گذارد و در اکثر نقاط جهان این قاعده رعایت می‌شود شاید بتوان گفت مانکن‌ها به کمک فالوئرهایشان برای این سریال انتخاب شده و مخاطب را جذب کرده‌اند. هر جا که خواسته عشق و علاقه را به تصویر بکشد از دستاویزی به نام موزیک ویدیو استفاده کرده است، این حربه بد نیست اما زمانی که یک یا دو بار انجام شود؛ نه اینکه جزئی از اتفاقات تکراری فیلم باشد. انتظار می‌رفت پس از انتشار سریال مانکن و موج انتقادات شدید اهل هنر نسبت به آن، سریال‌های بعدی تولیدی شبکه خانگی تمرکز بیشتری بر کیفیت و محتوای خود کنند، اما سریال دل پا را از مانکن هم فراتر نهاد. وقتی که به سریال دل را می‌نگریم مدام این حس به ما القا می‌شود که عوامل تنها می‌خواستند فیلمی بسازند تا کمی سرگرم شوند و از طرفی پولی هم کاسب شوند. سریال‌های بعدی نظیر گیسو، هیولا، جزیره و ... هم به نحوی مضحکانه از همین شیوه استفاده میکنند تا جیب مردم را خالی کنند! به نظر میرسد ارجحیت منافع اقتصادی بر ساختار فرهنگی برای تهیه‌کنندگان محصولات شبکه خانگی از تقدم بیشتری برخوردار بوده و یکی از نقاط آسیب‌زا و دارای نقد این محصولات از همین موضوع نشات می‌گیرد؛ بنابراین در فرایند تولید چنین آثاری، سرمایه‌محوری بر فرهنگ محوری غلبه دارد و این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی شود. آنچه حقیقتاً نقطه عطفی در این صنعت به حساب می‌آید ظهور VODها یا سرویس‌های پخش آنلاین فیلم بود، پخش و تماشا و دانلود سریال‌های جدید پخش خانگی آسان‌تر و سریع‌تر شد، بسیاری از مخاطبان برای تماشای جدیدترین آثار شبکه خانگی از سر زدن هفتگی به سوپرمارکت‌ها و خرید سی‌دی قسمت‌های جدید سریال‌ها بی‌نیاز شدند و این‌گونه بود که شبکه نمایش خانگی به یک صنعت میلیاردی و دارای مخاطب میلیونی تبدیل شد. البته سریال‌های خوبی مخصوصاً در سال‌های قبل مانند قهوه تلخ، شهرزاد و ساخت ایران تولید شده‌اند. یا چند سریال اخیر مانند قورباغه و زخم کاری به نسبت کارهای جدید در سطح بالاتری قرار دارند(البته بدون ضعف نبوده‌اند).



تولید باید دانش بنیان باشد



«اقتصاد دانش بنیان» یعنی دانش و فناوری پیشرفته نقش آفرینی فراوان و کاملی در همه عرصه‌های تولید داشته باشد. حتی انتخاب آن کار تولیدی؛ چون لزومی ندارد که انسان مهمی کارهای تولیدی را انجام بدهد. انتخاب آن کار تولیدی هم باید برخاسته از نگاه دانشی و بینشی و علمی باشد؛ این معنای اقتصاد دانش بنیان است.



MADE IN
IRAN



KHAMENEI.IR

رهبر انقلاب اسلامی

۱۴۰۱/۰۱/۰۱



شناسنامه نشریه



هفته‌نامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی دانشجویی عهد

سال: سیزدهم

شماره: ۱۵۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۵

شماره مجوز: ۳۴۵/ک ن ش

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه شیراز

مدیر مسئول: محمد محمدی

سر دبیر: فاطمه دهقانی

هیات تحریریه: فاطمه دهقانی، فاطمه فیونودی،

محمدحسین عوض‌پور، محمدرضا هادی‌نژاد

صفحه آرا: محمد محمدی

طراح جلد: سید محمد مهدی نعمت‌اللهی

ویراستار: شقایق یاکی پودنک

راه حل مشکلات معیشتی مردم

مرورنکات اقتصادی پیام رهبرانقلاب
به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۱

سال ۱۴۰۱
اشتغال آفرین
دانش بنیان
تولید



اهمیت تولید

راه اصلی عبور از
سختی های اقتصادی



کلید حل مشکلات
اقتصادی کشور



ضرورت تولید

تنگی معیشت مردم و
مسئله گرانی و تورم



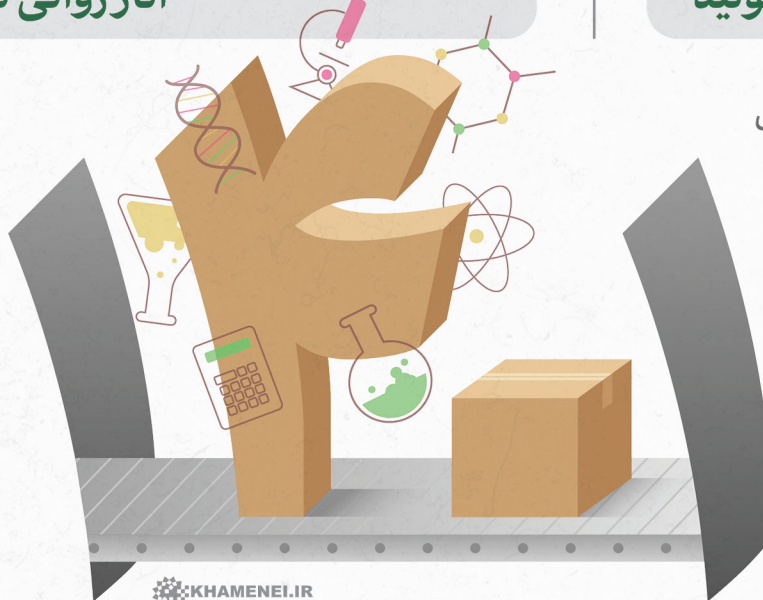
آثار روانی تولید



بالا بردن
اعتماد به نفس
ملی



ایجاد احساس
عزت مندی در
ملت



KHAMENEI.IR



آثار اقتصادی تولید

افزایش رشد اقتصادی



افزایش درآمد سرانه



کاهش تورم



ایجاد اشتغال



ایجاد رفاه عمومی



معنای شعار «تولید؛ دانش بنیان، اشتغال آفرین»



اشتغال آفرین



متکی به دانش جدید و
پیشرفت های علمی



دو خصوصیت تولید
در شعار سال



وظیفه مسئولین

سیاست گذاری
بر روی این شعار



اکتفا نکردن به چاپ شعار
روی کاغذ و تابلو و...



نتیجه تحقق شعار سال

حرکت روبه جلوی محسوس
در هدف های اقتصادی

